

بسم الله الرحمن الرحيم

1400/02/11

**موضوع:** تأملی در اثبات یا انکار حدیث «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»!

سخنرانی در سپاه تهران (حوزه عقیدتی سیاسی)

فهرست مطالب این برنامه:

شخصیت «شهید مطهری» در بیان امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

از مهمترین دغدغه های شهید مطهری نسبت به انقلاب اسلامی!

فعالیت عجیب گروهک منافقین در «اردوگاه تیرانا»!

جمله قابل تأمل و تعمق «شهید مطهری»!

اشتیاق جوانان وهابی برای کسب معارف دینی!

حکایتی شیرین از برخورد کریمانه، با جوان وهابی در کنار خانه خدا!

تأملی در اثبات یا انکار حدیث «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»!

لزوم توجه به سه عنصر اساسی، در کارهای فرهنگی و اعتقادی!

**استاد: آیت الله دکتر حسینی قزوینی**

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله والصلاة

على رسول الله وعلى آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء

الله. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم، به ایام شهادت مظلومانه و جانسوز امیرالمؤمنین، مظلوم‌ترین مظلوم عالم هستی نزدیک می‌شویم. شهادت آن بزرگ مرد عالم بشریت را به پیشگاه مقدس مولایمان بقية الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) تسلیت و تعزیت عرض می‌کنیم.

همچنین در آستانه روز معلم و روز شهادت استاد فرزانه، فیلسوف، محقق و عارف اسلام شناس واقعی، شهید والا مقام، «شهید مطهری» هستیم؛ ایشان و راه ایشان را گرامی می‌داریم و شهادت آن بزرگوار را به پیشگاه مولایمان و همه شاگردان و علاقمندان آن بزرگوار تسلیت و تعزیت عرض می‌کنیم.

از طرفی هم مصادف است با سالروز تأسیس یکی از بهترین و ارزنده‌ترین و با ارزش‌ترین مراکز فرهنگی کشوری، روز تأسیس «عقیدتی سیاسی» در سپاه که مایه مباهات و افتخار است. آن را هم به همه عزیزان سپاهی و بسیجی و علاقمندان به این ارگان مقدس تبریک عرض می‌کنیم.

با توجه به این دو، سه تا مناسبت من عرایض را در دو، سه محور تقدیم می‌کنم:

### شخصیت «شهید مطهری» در بیان امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

محور اول در رابطه با علامه شهید «مطهری» است، ما هرچه در رابطه با شهید «مطهری» بخوایم بگوییم نمی‌توانیم آن‌چه را که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران «حضرت امام خمینی» درباره ایشان بیان کردند به پای آن برسیم.

لذا من یکی دو فراز از فرمایش ایشان، برای این‌که برای ما تداعی بشود و یکی دو جمله از بیانات مقام معظم رهبری که بیانگر عظمت علمی این بزرگوار و وجوب تبعیت از رهنمودهای این شهید والا مقام است، اکتفا می‌کنم.

امام در بیانه‌ای که به مناسبت شهادت این شهید والا مقام داشتند نوشتند: " او در عمر کوتاه خود اثرات جاویدی به یادگار گذاشت که پرتوی از وجدان بیدار، روح سرشار از عشق به مکتب بود. آثار و قلم و زبان او

بی استثنا آموزنده و روانبخش است. مواظ و نصایح او که از قلبی سرشار از ایمان و عقیده نشأت می‌گرفت برای عارف و عامی سودمند و فرح‌زا است."

مقام معظم رهبری در تاریخ 10 / 2 / 1378 فرمود: "امروز جوانان ما، دانشجویان ما، اگر می‌خواهند در زمینه افکار اسلامی عمق پیدا کنند و پاسخ سوالات خود را بیابند، باید به کتاب‌های شهید مطهری مراجعه کنند. با سخن شهید مطهری که همچنان سخن روز است ارتباط برقرار کنند."

این‌ها نمونه‌ای از صدها مطالبی است که از زبان این فرزندان نسبت به این مرد بزرگ و شهید والا مقام بیان شده است.

### از مهمترین دغدغه‌های شهید مطهری نسبت به انقلاب اسلامی!

من با توجه به اوضاع فعلی کشور و جهان و سیل شبهاتی که امروز از زمین و زمان بر ضد نظام جمهوری اسلامی و فرهنگ اهل‌بیت سرازیر می‌شود، چند نکته‌ای را از «شهید مطهری» عرض می‌کنم و بعد به جدیدترین بررسی‌هایی که در حوزه تهاجم فرهنگی است اشاره می‌کنم.

«شهید مطهری» با این‌که چند ماهی از دوران پیروزی شکوهمند نظام جمهوری اسلامی را درک نکرده‌اند، ولی در همان چند ماه، آثار گرانقد و ارزشمند و سخنان زیبایی را داشتند.

کتاب «استاد مطهری و دغدغه اسلام اصیل» مطالب خوبی از دغدغه‌های شهید مطهری را بیان کرده است. پس از پیروز انقلاب اسلامی و تأسیس حکومت اسلامی مبتنی بر فقه شیعه، شهید مطهری همواره به حوزویان هشدار می‌داد که آینده‌نگر باشید و برترین رسالت خود را مبارزه با انحرافات و پاسخگویی به شبهات و سؤالاتی بدانید که دین و مذهب با آن رو به رو هست.

ایشان در کتاب «امامت و رهبری» تعبیری زیبایی دارد: "دین اسلام به برکت پیروزی این انقلاب شکوهمند، مرزها را درخواهد نوردید و این ندای اسلام به اقصی نقاط جهان خواهد رسید، آن وقت است که سیل شبهات

به طرف این مذهب سرازیر خواهد شد و من از حوزویان و دانشگاهیان می‌خواهم از هم اکنون به فکر پاسخگویی به این شبهات باشند."

عزیزان دقت کنند هنوز یکی دو ماه از پیروزی انقلاب اسلامی نمی‌گذرد که ایشان یک آینده نگری خیلی عریض و طویلی دارد.

«دانشگاه علم و صنعت» یک تحقیقی دارد؛ من چندی قبل دیدم می‌گوید: "فقط در خاورمیانه بیش از سیصد شبکه ماهواره‌ای شبانه روز بر ضد نظام جمهوری اسلامی و مذهب شیعه برنامه تولید می‌کنند و پخش می‌کنند."

آقای «الگور» یکی از دانشمندان سنی در «کانادا» است می‌گوید: "من تحقیقاتی که در فضای مجازی و سایبری داشتیم، از هر سه فضای سایبری، دو تا متعلق به وهابیت و سلفی‌گری است."

این‌که ما دیدیم «داعش» در مدت کوتاه آمد و این جنایات را در منطقه مرتکب شد، اینها ظهور ابن‌الوقتی نداشتند، سال‌ها با اینها کار فرهنگی شده بود.

مفتی اعظم کشور «قیرقیزستان»، یکی از کشورهای آسیای میانه، به «قم» و به دفتر ما آمده بود و می‌گفت: "فلانی! ما اهل سنت غفلت کردیم، شما شیعیان هم غفلت کردید، سلفی‌ها و وهابی‌ها الان بیست سال است در رسانه‌ها و فضای مجازی تبلیغ می‌کند و من خجالت می‌کشم بگویم از کشور من بیش از ده هزار نفر در «سوریه» در کنار «داعش» برای مسلمان‌کشی حضور دارند. و تمامی این‌ها مرهون آن تبلیغات گسترده‌ای است که اینها در طول این بیست سال داشته‌اند."

اگر امروز ما می‌بینیم از «داعش» خیلی خبر و اثری نیست، شما فضای مجازی را ملاحظه کنید، ببینید که چه فعالیت گسترده‌ای دارند.

نه تنها وهابیت، بلکه «اسرائیل» غاصب با تمام توان به میدان آمده، «آمریکا» با تمام توان به میدان آمده، کشورهای اروپایی آمده‌اند، «عربستان سعودی» پشتبانی مالی اینها را تأمین می‌کند و اینها هدفی جز زیر سوال بردن مبانی فکری و اعتقادی شیعه، هدف دیگری ندارند.

من یکی از جدیدترین آماري که دارم خدمت تان ارائه می‌دهم. قطعا عزیزان و آن‌هایی که دسترسی به مدارک محرمانه دارند، آگاه هستند. طبق برآورد متخصصین علوم ارتباطات، ایرانی‌ها صد و هشتاد برابر دیگر کشورها مورد هجوم و عملیات روانی در فضای مجازی قرار می‌گیرند.

«مقام معظم رهبری» بارها فرمودند: " فضای مجازی قتلگاه جوان‌ها شده است، و آنها از هر دری وارد می‌شوند، شما هم از هر دری وارد شوید، شما امروز به عنوان افسران جنگ نرم فضای مجازی، باید حضور فعال داشته باشید."

### فعالیت عجیب گروهک منافقین در «اردوگاه تیرانا»!

«عربستان سعودی» واحد تولید و انتشار محتوا در فضای مجازی را 20 اسفند 96 با حضور «محمد بن سلمان» و «مریم رجوی» راه اندازی کرد.

من تقاضا دارم عزیزان به این مطالب خوب دقت کنند: با حضور آقای «ترامپ» و آقای «السیسی رئیس جمهور مصر» و «ملک سلمان» سازمانی به نام مبارزه با افراطی‌گری افتتاح کردند که علیه «ایران» و شیعیان فعالیت کنند.

طی آمار منتشر شده، بیست و هفت درصد هشتگ‌های سراسری در ناآرامی‌های 96 از داخل «عربستان» منتشر شده است.

واحد جنگ سایبری گروهک منافقین در «اردوگاه تیرانا» واقع در کشور «آلبانی» فعالیت می‌کنند. در این واحد بیش از هزار پانصد نفر حضور دارند که هریک بیست اکانت را مدیریت می‌کنند، این افراد به صورت

شبانه روزی مشغول تولید محتوای حرفه‌ای علیه مسائل مختلف کشور، از قبیل ولایت فقیه، حجاب، رهبر انقلاب، سپاه، نیروی انتظامی، صدا و سیما، و فرماندهان و مدیران موفق کشور هستند.

### جمله قابل تأمل و تعمق «شهید مطهری»!

این یک بخشی از آمارهاست و یک سری مسائلی است که من معذورم نمی‌توانم بیش از این مسائل را مطرح کنم؛ ولی «شهید مطهری» (رضوان الله تعالی علیه) جمله‌ای دارد، این جمله «شهید مطهری» قابل تأمل و تعمق است.

ایشان می‌گویند: "بیگانه از دو طریق نفوذ می‌کند، یکی از طریق دشمنان - نمونه‌هایش را عرض کردیم- هنگامی که یک نهضت اجتماعی به اوج می‌گیرد و جاذبه پیدا می‌کند و مکتب‌های دیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهد، پیروان مکتب‌های دیگر برای رخنه کردن در آن مکتب و پوساندن آن از درون، اندیشه‌های بیگانه را که با روح مکتب مغایر است وارد آن مکتب می‌کنند، و آن مکتب را به این ترتیب از اثر و خاصیت می‌اندازند و یا کم اثر می‌کنند.

این یک بخشی از کارهای دشمن است و دیگر از طریق دوستان است، این خطرش به مراتب بیش‌تر از خطر دسته اول است. دوستان و پیروان خود مکتب به علت ناآشنایی درست با مکتب مجذوب یک سلسله نظریات و اندیشه‌های بیگانه می‌گردند و آگاهانه و یا ناآگاهانه آن نظریات را رنگ مکتب می‌دهند و عرضه می‌کنند."

متأسفانه ما امروز در حوزه‌های علمیه، و حتی گاه در درون سپاه، نیروهای نظامی و انتظامی می‌بینیم افرادی سخنانی می‌گویند، جذب بعضی از مکتب‌ها و یا فرقه‌های باطلی شده‌اند که برای خود بنده که افتخار بیش از دویست جلسه مناظره در خاک «عربستان» را داشتم مایه تعجب و تأسف است.

### اشتیاق جوانان وهابی برای کسب معارف دینی!

بنده اولین و آخرین روحانی شیعه بودم که در «طایف» در 95 کیلومتری شمال «مکه» رفتم با مفتی اعظم، بالاترین مقام علمی و سیاسی «عربستان»، یک ساعت مناظره خیلی چالشی داشتم. جناب آقای «نواب» مسؤل محترم بعثه مقام معظم رهبری هم حضور داشتند.

من گمان می‌کنم کمتر کسی را سراغ داشته باشید به اندازه من تجربه داشته باشد. من شبها در خوابگاه «دانشگاه ام القری» می‌رفتم و همین آقای «نواب» می‌گفت: فلانی! رفتن به خوابگاه «دانشگاه ام القری» رفتن در لانه زنبور است. چون «دانشگاه ام القری» یک دانشگاه عادی نیست، یک دانشگاه لیدر پرور و ایدئولیک پرور است.

بلا تشبیه مثل «دانشگاه امام حسین» ما است که فارغ التحصیلانشان یا سفیر می‌شوند و یا خطیب جمعه می‌شوند و یا در قسمت‌های قضایی به عنوان قاضی القضاة انتخاب می‌شوند.

ما شبها در خوابگاه این دانشگاه می‌رفتیم، ماه رمضان هم بود بعد از «نماز تراویح» تا نزدیک اذان صبح با این دانشجویان صحبت می‌کردیم.

یک روز جناب آقای «نواب» به من گفت: "آقای «قزوینی» آخر این وهابی‌ها تو را می‌کشند، این چه کاری است که شما دارید می‌کنید!" گفتم اولاً کشته شدن در راه دفاع از امیرالمؤمنین عشق است. چه سعادت است که انسان داشته باشد که خورش در این راه ریخته بشود.

ثانیا علاقه‌ای که این جوان‌های وهابی به معارف دینی دارند، ده‌ها نه، بلکه صدها برابر علاقه جوان‌های شیعه به مسائل دینی است.

گفتم: من که نه «دانشگاه ام القری» را بلد هستم و نه خوابگاه‌شان را بلد هستم و نه بروم راهم می‌دهند. این جوانها هرشب بعد از نماز تراویح، جلوی بعثه می‌آیند و من را سوار ماشین می‌کنند و می‌رویم شش، هفت ساعت با همدیگر بحث می‌کنیم.

این بحث‌های علمی برای آن‌ها شیرین است. لذا فردا شب هم باز می‌آیند همین کار را انجام می‌دهند و ادامه دارد. من تجربه‌های خیلی زیبایی در تأثیر گذاری فرهنگ شیعه دارم.

### حکایتی شیرین از برخورد کریمانه، با جوان وهابی در کنار خانه خدا!

من دیدم در دعوتنامه‌ای که بزرگواران برای بنده فرستاده بودند، روی مسئله «تعلیم و تربیت» تکیه زیاد شده بود. به همین جهت نکته ای را خدمت دوستان عرض کنم.

من یک شب مشغول طواف بودم، دیدم یک جوانی دستش را روی شانه من گذاشت. البته من با لباس عربی بودم نه لباس روحانی! حالا از کجا فهمید که من شیعه هستم، نمی دانم.

نزدیک «حجر الاسود» شروع کرد آنچه از دهنش در می‌آمد به من فحش داد. یعنی اگر فحش دادن را خدا واجب عینی کرده بود، بیش از این نمی‌توانست فحش بدهد. من هم همین‌طور نگاه کردم، حرفش که تمام شد گفتم: "برادرم می‌شود یک گوشه‌ای بشینیم و با هم صحبت کنیم." گفت: "انا لست اخ لك، لست اخ لك؛ من برادر تو نیستم، برادر تو نیستم!"

گفتم: "یا من لیس باخ لی ممکن ان نجلس فی ذا و یتکلم ایاک؛ ای کسی که برادر من نیستی، می‌شود یک گوشه‌ای بشینیم و صحبت کنیم."

دیگر از رو رفت، دید آن‌همه فحش داد ما جواب ندادیم و گفت من برادر تو نیستم، این را هم ما باز از رو نرفتیم. گفت: برویم. آمدیم رو به روی «رکن یمانی» نشستیم. گفتم: برادر عزیز! من یک آیه قرآن می‌خوانم بعد شما حرف بزن. گفت بخوان!

گفتم قرآن می‌فرماید:

**وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَاجِرُهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغُهُ مَا مَنَّهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَغْلُمُونَ**



و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)!

سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند!

### سوره توبه (9): آیه 6

فرمود: یا رسول الله اگر یکی از مشرکین آمد، پناهنده شد و امان آورد، امان بده تا کلام خدا را بشنود. گفتم: الآن من مشرک و شما تابع پیغمبر، من آدمم کلامت را بشنوم، دلیل شرک من چیست؟ این که شما می‌گویید: "شما مشرک هستید، نجس هستید، دولت «عربستان سعودی» اشتباه کرده به شما ویزا داده، شما این جا را می‌خواهید نجس کنید، شما اگر دست تان بیاید «خانه کعبه» را ویران می‌کنید." دلیل شما چیست؟

شروع کرد سه چهار تا مطلب را گفتن که شما قائل به تحریف قرآن هستید و از این حرف‌ها، چهار، پنج تا شبهه گفت، شبهه‌هایش را من همان جا جواب دادم.

دوستان! خدا را شاهد می‌گیرم، قسم به روح پاک امیرالمؤمنین وقتی من از کتاب‌های خودشان جواب دادم، بلند شد پیشانی من را بوسید، شانه من را بوسید و عذر خواهی کرد، از من شماره تلفن و ایمیل گرفت گفت: من دوست دارم با شما ارتباط داشته باشم و مدت‌ها و چند سالی هم باهم ارتباط داشتیم.

اگر ما:

**(وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا)**

هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند)

### سوره فرقان (25): آیه 63

**(وَإِذَا مَرُّوا بِاللُّغُوِّ مَرُّوا كِرَامًا)**

و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند.

## سوره فرقان (25): آیه 72

اگر اینها را ما در عمل پیاده کنیم نه در کلاس آموزشی، بلکه در میدان پیاده کنیم نه در کلاس عقیدتی سیاسی، والله نتیجه دارد. لذاست که رسول اکرم می‌فرماید:

«إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»

مکارم الأخلاق؛ نویسنده: طبرسی، حسن بن فضل، ناشر: شریف رضی، قم: 1412 ق / 1370 ش،

ص 8

تأملی در اثبات یا انکار حدیث «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»!

متأسفانه یکی از عزیزان روحانی ما، در رسانه ملی، چند جلسه‌ای همین حدیث را زیر سوال برد. به تعبیر «شهید مطهری» یکی از دردهای ما این است که بعضی از خودی‌های ما، در اثر ناآگاهی و جهل، می‌آیند آب به آسیاب دشمن می‌ریزند.

ایشان در چند جلسه گفت حدیث: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ سند ندارد. پیغمبر کارش اخلاقی نبوده، پیغمبر کارش سیاسی بوده و می‌خواست قدرت را به دست بگیرد.

به نظر من اگر کسی بخواهد به رسول اکرم توهین کند، بالاتر از این نمی‌شود توهین کرد. من از این بزرگوار و کسانی که مثل ایشان هستند که متأسفانه کم هم نیستند، گلایه دارم.

منبر رفتن و دو تا آیه خواندن و دو تا روایت و دو تا داستان و دو تا شعر خواندن و جمعیت را جذب کردن، کار شاقی نیست؛ در مقابل کار علمی کار ساده ای نیست. گاو نر می‌خواهد و مرد کهن!

اولاً بزرگوار! شما از کجا دانستید که حدیث: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ سند ندارد؟ آیا تحقیق و بررسی کردید؟ مصادر روایت را دیدید؟ یا نه همین‌طوری شب خوابیدید و صبح بلند شدید گفتید آقا حدیث: «إِنَّمَا

بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» مشکل سندی دارد!!

نکته، نکته ظریفی است. فقط در سایت «مقام معظم رهبری»، دست کم چهارده بار شخص آقا این عبارت «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» را به زبان آورده است. بابا حوصله ندارید کتاب ببینید، تفسیر ببینید، حدیث ببینید، تاریخ ببینید، حداقل سایت مقام معظم رهبری که دست تان است، ایشان بیش از چهارده بار این روایت را می‌خواند.

باز جالب این است می‌فرماید: "این راست است که پیغمبر فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ!» این حدیث از طرق فریقین و فرق اسلامی نقل شده است، شیعه، سنی نقل کرده‌اند.

این «انما» خیلی معنا دارد، «انما» یعنی این است و جزء این نیست، فقط همین است. «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ یعنی من هدفم فقط و فقط این است که کرامت‌های اخلاقی را به اوج برسانم.

بعضی‌ها تصور می‌کنند مسئله اخلاق فقط این است که شما با زن و بچه و در محیط کار و... خوشرو باشید، همین است! بابا اگر در حوزه نظامی اخلاق نباشد، این حوزه نظامی فاسد می‌شود. در حوزه اقتصادی اگر اخلاق اسلامی نباشد سر از جنایت در می‌آورد. در مسائل سیاسی اگر اخلاق حاکم نباشد، این سیاست - به تعبیر حضرت امام - سر از پدر سوختگی در می‌آورد.

اخلاق، با تمام معارف دینی ما عجین است. شما یک معرفت دینی بیان بکنید - چه در مسئله سیاسی، چه اقتصادی، جنگی، میدانی، دیپلماسی - که اخلاق در اینجا نقش نداشته باشد.

همین نشانه بد اخلاقی است که ما می‌بینیم یک دفعه نوار محرمانه «وزیر محترم امور خارجه» درز می‌کند و سر و صدا و داد و بیداد و فریاد به راه می‌اندازد.

متأسفانه این مسئله الان به یک معضل جهانی تبدیل شده است. هم اصل صحبت‌های ایشان که خیلی از مسلمات مقدس نظام و یک کسی که افتخار تمام مقاومت و آزادگان و آزاد مردان در جهان است، شهید والا مقام «سلیمانی» را زیر سوال ببرد، نظام را زیر سوال ببرد. و بعضی از دولت‌هایی که همکاری داشتند را زیر سوال ببرد، این نشانه بد اخلاقی است.

اگر اینها بد اخلاقی نیست پس چیست؟ اینکه از کجا درز می‌کند و بیرون می‌رود، نفوذ می‌کند و به دست بیگانگان می‌رسد، این از بد اخلاقی سرچشمه می‌گیرد. اگر اخلاق اسلامی باشد اینها صورت نمی‌گیرد.

لذا در فرمایش رسول اکرم: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ به تعبیر «مقام معظم رهبری»، «إنما» خیلی معنا دارد؛ یعنی اساساً بعثت من پیامبر برای این است و هدف این است و بقیه مقدمه است.

آقای بزرگوار! حدیث نمی‌بینی؟ آیه قرآن نمی‌بینی؟ بابا این حدیث سند ندارد

**(وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ)**

و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری!

سوره قلم (6): آیه 4

آیه قرآن هم خواندنی نیست؟ تا به حال این را نخواندی؟

**(وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ)**

در برابر آنان [= مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند

سوره آل عمران (3): آیه 159

این آیه قرآن هم سند ندارد؟ شاید قرآن شما این آیات را نداشته باشد! من خیلی تأسف می‌خورم، ما ضربه ای که از خودی‌ها داریم می‌خوریم مهلک‌تر است تا ضربه‌ای که از بیگانگان می‌خوریم.

حالا که «مقام معظم رهبری» فرمود این روایت در منابع شیعه و سنی نقل شده است؛ عزیزان اگر توجه کنند من فقط یک فهرستی از کتاب‌های شیعی که این روایت را آوردند را عرض بکنم.

**«عَنِ النَّبِيِّ قَالَ إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»**

«مجمع البیان طبرسی» جلد 10، صفحه 15؛ «مکارم الأخلاق» صفحه 8؛ «نهج الفصاحه» صفحه 345؛ «فقه الرضا» صفحه 353؛ «امالی شیخ طوسی» از کتاب‌های معتبر شیعه صفحه 596؛ باز «امالی - طوسی» صفحه 478؛ «وسائل» جلد 12، صفحه 170؛ «مشکات الأنوار» صفحه 243؛ «مجموعه وژام» جلد 1، صفحه 89؛ «بصائر الدرجات» جلد 1، صفحه 531. این‌ها نمونه‌های بود که آوردم.

در کتب اهل سنت نیز «سنن بیهقی» حدیث 1996، «ناصر الدین البانی» از لیدرهای «وهابی» و متخصص رجال اهل سنت، در کتاب «سلسلة الأحادیث الصحیحه» جلد 1، صفحه 74 نقل می‌کند و می‌گوید روایت صحیح است.

«بخاری» در «ادب مفرد»، «ابن سعد» در «طبقات»، «حاکم نیشابوری» در «مستدرک»، «احمد» در «مسند»، «ابن عساکر» در «تاریخ دمشق»، و ده‌ها عالم سنی این روایت را نقل کردند.

حالا من روحانی نا آگاه در «رسانه ملی» می‌گویم حدیث: **«إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»**؛ سند ندارد!! همین مسئله امروز در فضای مجازی یک مصیبت شده است.

دیروز در فضای مجازی دیدم به یک سری افرادی میدان دادند که از نظام عقده دارند، و از بعضی از روحانیان عقده دارند، من آن روحانی را با تمام وجودم دوستش دارم، با همه لغزش‌هایش باز هم دوست دارم و به همه توصیه می‌کنم به صحبت‌هایش، که صحبت‌های شیرین و دلنشین است گوش کنند. ولی:

### «لکل جوادِ کبوة»

هر اسب تیز رو یک دفعه هم زمین می‌خورد. یک لغزشی هم دارد؛ ولی ما در فضای مجازی داریم می‌بینیم یک عده ضد انقلاب، از آن‌هایی که از نظام دل خوشی ندارند شروع کرده‌اند این را بهانه قرار دادند برای کوباندن روحانیت، نظام و کوباندن روحانیان همسو با نظام!

اینها نمی‌آیند بگویند به فرض، «قزوینی» اشتباه کرده، می‌گویند روحانیت اشتباه کرده است!! اگر یک عزیز «عقیدتی - سیاسی» اشتباه کرد، نمی‌گویند این آقا اشتباه کرده، اینها را به پای جمع می‌نویسند.

ولذا باید ما روی مسائل اخلاقی در امور تعلیم و تربیت، چه در بُعد عقیدتی چه در بُعد سیاسی، تحقیق بیشتر بکنیم و اهمیت بیشتری بدهیم.

من یک روایتی از حضرت امیر (سلام الله علیه) برایتان بخوانم! به قدری این روایت زیبا است، اگر شما این روایت را با طلا بنویسید و در محل کارتان، اتاق پذیرایی و اتاق خوابتان بچسبانید ارزش دارد. امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةَ وَلَا نَخْشَى نَاراً وَ لَا ثَوَاباً وَ لَا عِقَاباً لَكَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَطْلُبَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»

اگر ما امید به بهشت نداشته باشیم و از آتش هم نترسیم و امید ثواب و عقاب هم در ذهن ما نباشد، سزاوار است که به دنبال کسب مکارم اخلاق باشیم.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح و ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ج 11، ص 193، ح 12721

حضرت می‌فرماید: کرامت‌های اخلاقی، گمشده همه است؛ چه مسلمان باشی، چه نباشی! چه به بهشت و جهنم عقیده داشته باشی و چه عقیده نداشته باشی!

عمل به کرامت‌های اخلاقی و مزین شدن به زیورهای اخلاقی برای یک انسان زینده است؛ حتی برای یک کافر، برای یک آتئیست و برای یک ملحد. اساساً در جامعه، داشتن اخلاق خوب زینده است. روایت دیگر در «غرر الحکم» است که حضرت فرمود:

«فَهَبْ أَنَّهُ لَا ثَوَابَ يُرْجَى وَ لَا عِقَابَ يُتَّقَى أُمَّ فَتَرْهَدُونَ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ»

غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علي عليه السلام)؛ نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی، ناشر: دار الكتاب الإسلامي، ص 462

حضرت می فرماید: ای مردم، گیریم که ثواب و عقابی و بهشت و جهنمی نیست، آیا این کرامت‌های اخلاقی این قدر ارزش ندارد که خودتان را به این کرامت‌ها و زیبایی‌های اخلاقی مزین کنید؟  
ما در قرآن کریم داریم که می فرماید یک دسته از کفار صدای اسلام به گوششان نرسیده:

**(وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا)**

ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم (تا وظایفشان را بیان کند).

**سوره اسراء (17): آیه 15**

ما هیچ قومی را عذاب نمی‌کنیم مگر این که پیغمبر برسد و حجت تمام بشود. یک کسی در آن طرف کره زمین در «سیبری» اصلاً اسم اسلام و خدا به گوشش نرسیده است.

راوی از امام سوال می‌کند خدای عالم فردای قیامت می‌خواهد با این چه کار کند؟ امام می‌فرماید: اسلام به گوشش نرسیده ولی این اخلاق را، وجدانش به او ارائه داده یا نداده است!؟

اگر این کافر، و این بی‌خدا که صدای اسلام به گوشش نرسیده به آن امور اخلاقی که از وجدان بشری‌اش سرچشمه گرفته، اگر به او عمل کرده باشد، بهشت می‌رود!

به عنوان نمونه، زدن یتیم عقلاً، منطقاً، فطرتاً زشت است، چه اسلام گفته باشد چه نگفته باشد. و یا خدمت به مظلوم فطرتاً و عقلاً حُسن دارد، چه اسلام گفته باشد یا نگفته باشد.

می‌گویند این کفاری که حجت برای آن‌ها تمام نشده، به دستورات اخلاقی برگرفته از فطرت، اگر چنانچه عمل کرده باشند خدا به میزانی که اینها برای مکارم اخلاقی عمل کرده‌اند حساب می‌کند؛

**(فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ؛ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ)**

پس هر کس هموزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند! و هر کس هموزن ذره‌ای کار بد کرده  
آن را می‌بیند!

### سوره الزلزلة (99): آیات 7-8

همان خیر و شری که وجدان او به او ندا می‌داد، این را انجام بدهد فردای قیامت با این معامله می‌کند.  
آن وقت ما بگوییم - نستجیر بالله - نبی مکرم با اخلاق کار نداشت و دنبال گرفتن قدرت بود!؟ آن وقت  
مخالفین به ما چه می‌گویند؟ امثال «گوستاولوبون فرانسوی» می‌گویند اسلام با شمشیر و زور آمده مردم را  
مسلمان کرده؛ یعنی ما داریم حرفی می‌زنیم که «شهید مطهری»ها سال‌ها زحمت کشیدند به این‌ها جواب  
دادند.

ما داریم تمام زحمات این بزرگان را هدر می‌دهیم و یک جمله‌ای می‌گوییم که هم از نظر علمی نادرست است  
و هم از نظر واقعیت نادرست است.

### لزوم توجه به سه عنصر اساسی، در کارهای فرهنگی و اعتقادی!

من معتقد هستم در بحث اخلاق در پیشبرد اهداف «عقیدتی، فرهنگی، سیاسی»، آن عزیزانی که می‌خواهند  
کار بکنند با توجه به تجربه‌ای که بنده دارم، معتقدم ما باید سه عنصر اساسی را رعایت کنیم.

الان فرصت نیست توضیح بدهم، فقط اجمالا عرض می‌کنم که یکی «تبیین و بصیرت افزایی» است که  
عزیزان ما الحمد لله موفق هستند و امیدوارم موفق‌تر بشوند. دو: «شبهه زدایی» که امروز این سیل شبهات  
از زمین و زمان به فرهنگ ناب اسلام محمدی (صلی الله علیه وآله وسلم) و فرهنگ اهل‌بیت باریدن گرفته و  
فضای مجازی به تعبیر «مقام معظم رهبری»، قتلگاه جوان‌ها شده و لذا ما باید این شبهه زدایی را داشته  
باشیم.

باید جوان‌ها را تربیت بکنیم و روش پاسخگویی به شبهه را به آنها یاد بدهیم و نه فقط پاسخ به شبهه را؛  
یعنی به جای این‌که ماهی به دست جوان‌های مان بدهیم، تور ماهی‌گیری بدهیم.



سال گذشته جناب «آیت‌الله اعرافی» ریاست محترم حوزه‌های علمیه، منزل ما تشریف آورده بود و می‌فرمود: فلانی! با سیل شبهاتی که هر روز مطرح می‌شود، در شهرستان‌ها، اساتید حوزه‌های علمیه ما، توانایی پاسخگویی ندارند.

حالا ایشان لطف کرده بودند به ما گفته بودند و تصور کرده بودند که «تربچه» هم جزو میوه‌جات است. از بنده خواسته بودند شما بیایید در هر شهری دو استاد برای ما تربیت بکنید که اینها بتوانند به شبهاتی که در منطقه است جواب بدهند.

الان این اُس اساس کار است که ما بتوانیم در هر پایگاهی یا در هر منطقه‌ی دو سه نفر ورزیده داشته باشیم. یعنی کسانی که روش پاسخ به شبهه بلد باشند و ملکه پاسخگویی به شبهه را داشته باشند.

یعنی اگر ده، بیست مورد شبهه به او دادی، کارگاهی، شبهات بعدی را خودش بتواند جواب بدهد، نه این‌که بیاید از شما بگیرد.

یک روزی جناب آقای «تقوی» که «مسئول ائمه جمعه» بود، به من زنگ زد گفت: ما حدود 70 نفر از «ائمه جمعه» مناطق تلفیقی را به «تهران» آوردیم، شما بیایید برای اینها سخنرانی بکنید. گفتم: من نمی‌آیم گفت: چرا؟

ما با حاج آقای «تقوی» از قبل از انقلاب با هم رفاقت داریم، نامه‌های امام که از «نجف» به «قم» می‌آمد، یک بخش نامه‌ها که قسمت «قم» تا به «کردستان» و «آذربایجان» برود، ما پخش می‌کردیم و قسمت شرق را هم ایشان به عهده داشتند.

گفتم آقای «تقوی» بنده بیایم آن‌جا سخنرانی بکنم چهار نفر خوشش بیاید و به‌به بگوید و چهار نفر هم بدش بیاید اه اه بگوید.

گفت: چه کار کنیم؟ گفتم شما سه روز ائمه جمعه تان را به ما بدهید. ما کارگاه بگذاریم و روش پاسخ به شبهه یاد بدهیم. ایشان تأملی کرد و گفت: فلانی سه روز نمی‌توانیم، یک روزش را می‌توانیم. گفتم: باز کاجی به از هیچی است.

ما از «قم» به «تهران» آمدم و در «ولنجک» که مرکز آموزش بود، هفت هشت تا از اساتیدی که با ما کار می‌کنند را آوردیم. صبح من یک ساعتی که آمدم مسائلی را مطرح کردم، ده نفر ده نفر این‌ها با یک استادی در یک کلاسی که ویدئو پروژکتور هم بود، در عرض 8-9 ساعت این‌ها چندین شبهه را از صفر تا صد با این عزیزان مان کار کردند.

جناب آقای «عرب» از «دفتر مقام معظم رهبری» غروب آنجا تشریف آوردند در اتاقی که من بودم گفت فلانی یک جمله به شما بگویم، این همه دوره گذاشته بودیم، آقایان از هیچ دوره‌ای مثل این دوره راضی نبودند، گفتم «هذا من فضل ربی»!

جناب آقای «ابراهیمی» امام جمعه «آبادان» یک روز به من زنگ زد گفت: فلانی! آن یک روزی که ما با دوستان شما بودیم و با ما کار کردند و فایل‌هایی به ما دادند، من یک سال نماز جمعه‌ام، خطبه اولم را از همان فایل‌ها دارم استفاده می‌کنم.

ایشان گفت: وقتی آمدم مطالب خیلی زیبا و شکیل روز را مطرح کردم. اول مردم تعجب کردند گفتند آقای «ابراهیمی» تو این مطالب را بلد نبودی، از کجا این‌ها را آوردی؟ گفت من یک سال است دارم از همان یک روز صحبت دوستان استفاده می‌کنم.

ولذا من از عزیزان «مسئولین عقیدتی سیاسی» تقاضا می‌کنم در کنار آموزش نظری، کارگاه را مورد توجه قرار دهند.

روش یاد دادن، عین آیین نامه رانندگی است. کتاب آیین نامه را می‌خواند و نمره هم می‌آورد؛ ولی اگر چنانچه در کنار یک مربی، سوار شدن به ماشین، روشن کردن ماشین، راه انداختن، ترمز کردن، چپ و راست پیچیدن را یاد نگرفته باشد، یک متر هم نمی‌تواند ماشین را حرکت بدهد.

ولذا در بحث فرهنگی و تعلیم و تربیت، امروز باید 10 درصد ما برای مباحث نظری در نظر بگیریم، و 90 درصد عملی و گارگاهی، تا افراد ملکه پاسخ به شبهه را کاملاً فرا بگیرند.

یک: تبیین و بصیرت افزایی، دو: شبهه زدایی، سه: روشنگری و هجمه به اردوگاه فرهنگی دشمن. که من در این قسمت دوم و سوم حرف خیلی زیاد دارم.

بیش از این من وقت شما را نمی‌گیرم، از شما عزیزان تشکر می‌کنم که در این‌جا شرف حضور پیدا کردید و افتخار دادید و زینت این محفل شدید. و از مسئولین محترم که این محفل را تشکیل دادند و همچنین عزیزانی که در دیگر پایگاه‌ها دارند این برنامه را می‌بینند از همه عزیزان تشکر می‌کنم.

خدا را به آبروی امیرالمؤمنین و خون پاک شهیدان قسم می‌دهم هر چه سریع‌تر لباس فرج بر اندام ملکوتی مولای‌مان بقیة الله الاعظم بیوشاند و ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بدهد.

انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل نماید و خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل‌بیت بالاخص «مقام معظم رهبری» را موفق و مؤید بدارد.

برای قضای حوائج و رفع گرفتاری‌ها هدیه می‌کنیم به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهدا، صدیقین، صالحین، بالاخص امام راحل صلوات.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته